Vol. 13 | No. 3431 | Sat. Oct 10. 2026 | شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵ | ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۳۱ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

تحلیل فرشاد مومنی
از چرایی شکست سیاست‌های اقتصادی در ایران

فساد و رانت و تضعیف نهاد علم تقویت می‌شوند

صفحه ۲

آگهی‌ها
جای معامله را گرفتند

قیمت‌های رویایی در ویترین مجازی مسکن

صفحه ۵

یادداشت-۱

کدام دارایی برای کدام اقتصاد؟



رضا غنی پور

کدام یک از بازارها برای سرمایه‌گذاری در شرایط اقتصادی ایران مناسب‌تر هستند؟ در ادبیات عامه، همواره وسوسه‌ای نیرومند برای یافتن «بهترین دارایی» وجود دارد. بحث‌های فرسایشی درباره اینکه آیا بازار سرمایه و سهام بازدهی بهتری دارد یا طلا؟ املاک پناهگاه مطمئن‌تری است یا اوراق درآمد ثابت؟ بخش عمده‌ای از گفت‌وگوهای بازارهای مالی را به خود اختصاص می‌دهد. با این حال، تحلیل تاریخی رفتار بازارها نشان می‌دهد چنین پرسشی از بنیاد گمراه کننده است. یک بازنگری تجربی نیم قرنی در عملکرد طبقات گوناگون دارایی از سال ۱۹۷۲ تا میانه سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که هیچ ابزاری برای تمامی فصول اقتصاد ساخته نشده است. بازدهی یک دارایی، تابعی ایزوله از خود آن نیست، بلکه بازتابی از برهم کنش دو موتور محرک اصلی اقتصاد کلان است: «نرخ رشد اقتصادی» و «نرخ تورم». وقتی رفتار بازارها را در یک مختصات دوبعدی بررسی می‌کنیم که محور افقی آن میزان حساسیت به تورم و محور عمودی، حساسیت به رشد اقتصادی باشد، واقعیت تازه‌ای آشکار می‌شود. دارایی‌هایی که در سمت راست نمودار جای می‌گیرند از جهش‌های تورمی منتفع می‌شوند و آنهایی که در سطوح بالای محور عمودی قرار دارند، شکوفایی خود را وامدار رونق تولید و فعالیت‌های اقتصادی هستند. از ترکیب این دو متغیر، چهار اقلیم کلان اقتصادی پدید می‌آید که سرمایه‌گذار در هر اقلیم با منظومه‌ای کاملا متفاوت از ریسک و پاداش روبه‌رو است:

۱) اقلیم طلایی (رشد بالا و تورم کنترل شده): این وضعیت که در ادبیات مالی به شرایط «گلدیلاکس» مشهور است، بهشت دارایی‌های ریسک‌پذیر به شمار می‌رود. در چنین فضایی، سود آوری بنگاه‌ها همگام با رونق کلان افزایش می‌یابد، در حالی که ثبات سطح عمومی قیمت‌ها مانع از اعمال سیاست‌های انقباضی تهاجمی از سوی بانک‌های مرکزی می‌شود. در این فاز، بازار سهام معمولا پیشتاز بلامنازع خلق ارزش است.

۲) اقلیم داغ‌شدگی (رشد بالا و تورم فزاینده): هنگامی که تقاضای کل از ظرفیت بالفعل اقتصاد پیشی می‌گیرد، رونق اقتصادی پایدار می‌ماند اما تورم شتاب می‌گیرد. در این مقطع، زنجیره عرضه تحت فشار قرار دارد و دارایی‌های فیزیکی، کامودیتی‌ها، بخش انرژی و ابزارهای مرتبط با کالاها، جذابیت دوچندانی برای جذب نقدینگی پیدا می‌کنند.

۳) اقلیم رکود کلاسیک (رشد ضعیف و تورم مهارشده): در غیاب فشارهای تورمی و همراه با افت تقاضا و افول چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها، سرمایه‌ها به سمت امنیت کوچ می‌کنند. در این فضا، ابزارهای با درآمد ثابت، اوراق قرضه دولتی و دارایی‌های باکیفیت و بدون ریسک اعتباری، عملکرد بهتری از سهام و کالاها به ثبت می‌رسانند؛ چرا که سیاست‌گذار پولی ناگزیر به کاهش نرخ بهره است.

۴) اقلیم رکود تورمی (رشد ضعیف و تورم بالا): این موقعیت، پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین نقطه ماتریس است، محیطی فرساینده که در آن مدل‌های سنتی متنوع‌سازی سرمایه (مانند پرتفوی سنتی ۴۰/۶۰ سهام و اوراق) اغلب کارایی خود را از دست می‌دهند. داده‌های تاریخی بیش از پنج دهه اخیر موید آن است که طلا و دسته‌ای از کالاها دقیقا در این مدار فعال می‌شوند. فلز زرد در این داده‌ها حساسیت منفی معناداری نسبت به رشد اقتصادی و در مقابل، حساسیت مثبتی به جهش‌های تورمی نشان داده است. این ویژگی سبب می‌شود طلا در زمان انقباض تولید همزمان با فرسایش ارزش پول، نقشی متفاوت از سایر طبقات دارایی در صیانت از ارزش پرتفوی ایفا کند. مهم‌ترین گزاره‌ای که این شواهد تاریخی فراروی تحلیل‌گر و فعال اقتصادی قرار می‌دهد، پرهیز از مطلق‌انگاری است. خطای شناختی متداول این است که بازدهی گذشته نگر یک دارایی خاص به آینده تعمیم داده شود، بی‌آنکه مختصات محیط زیست آن دارایی در نظر گرفته شود. پرسش حرفه‌ای نباید این باشد که «کدام دارایی ذاتا برتر است؟»، بلکه مساله بنیادین این است: «اقتصاد هم‌اکنون در کدام اقلیم به سر می‌برد و دارایی‌ها نسبت به این فضا چه درجه‌ای از حساسیت را بروز می‌دهند؟» باید یادآور شد که الگوهای ۵۰ سال گذشته حکم قطعی برای رخدادهای آینده صادر نمی‌کنند؛ بازارها همواره دستخوش تحولات ساختاری، تغییرات ژئوپلیتیک و تکانه‌های فناورانه هستند. با این همه، تجربه تاریخی نقشه راهی واقع‌بینانه در اختیار ما می‌گذارد. مدیریت هوشمندانه ثروت، تعقیب کورکورانه یک ابزار مالی نیست، بلکه اتخاذ رویکردی چندبعدی بر پایه «سناریونویسی» است. هنر سرمایه‌گذار در شناخت روندهای اقتصاد کلان و چیدمان پویای سبد دارایی متناسب با تغییر فصول اقتصادی معنا پیدا می‌کند.

گزارش «تعادل» از کالبدشکافی بازار جهانی انرژی و نفت ۱۰۰ دلاری

پازل سه رقمی طلای سیاه!

گلناز پرتوی‌مهر | آمارهای متداول موسسات ردیابی شناورها و دفاتر سرمایه‌گذاری بین‌المللی خبر از یک آرامش ظاهری می‌دهند: عبور جریان نفت از گلوگاه‌های خاورمیانه روندی رو به بهبود داشته و اعداد و ارقام خروجی از ترمینال‌های بارگیری حتی از روزهای پیش از تنش فراتر رفته است. با این وجود، تابلوهای معاملاتی بازار نفت روایتی کاملا متناقض را به نمایش می‌گذارند. در شرایطی که بر اساس منطق کلاسیک عرضه و تقاضا، بازگشت حجم بشکه‌های صادراتی باید قیمت نفت برنت را به کانال‌های آرامش پیشین (نزدیک به ۶۰ دلار) بازمی‌گرداند، این شاخص کلیدی هفته‌هاست که پایش را از نردبان ۱۰۰ دلار پایین نمی‌گذارد. پرسش بنیادین این است: چه متغیر ناپیدایی در این میان فرمول‌های متداول بازار را خنثی کرده و اجازه ریزش به قیمت‌ها نمی‌دهد؟ پاسخ را نه در چاه‌های نفت و بنادر مبدا، بلکه باید در طول صدها مایل خطوط مواصلاتی، اقیانوس‌ها و انبارک‌های پالایشگاهی جست‌وجو کرد. واقعیت این است که حجم نفت بارگیری‌شده دیگر معیار کاملی برای قیمت‌گذاری نیست، بلکه «نفت تحویل‌شده در مقصد» و هزینه تبدیل آن به سوخت نهایی، متغیر اصلی تعیین قیمت در جهان امروز است. نخستین تکه از پازل پایداری نفت‌سه‌رقمی، تغییر چهره ژئوپلیتیک حمل‌ونقل دریایی است. جریان فیزیکی نفت بازگشته، اما هندسه خطوط کشتیرانی دگرگون شده است. وقتی ریسک‌های امنیتی و بیمه‌ای در آبراه‌های راهبردی منطقه سر به فلک می‌کشند، نفتکش‌ها ناچار به پیمودن مسیرهای انحرافی و طولانی‌تر می‌شوند. دور زدن گذرگاه‌های استاندارد به معنای افزودن هفته‌ها به مدت زمان سفر یک محموله و حبس شدن میلیون‌ها بشکه نفت روی آب است. این چرخه معیوب دو پیامد مستقیم دارد: نخست اینکه کرایه حمل نفتکش‌ها به رکوردهای تاریخی دست یافته و هزینه جابه‌جایی هر بشکه نفت به ارقامی سرسام‌آور رسیده است. دوم اینکه زنجیره تحویل دچار تاخیر ساختاری می‌شود؛ نفت امروز از خلیج فارس بارگیری می‌شود، اما برخلاف گذشته نه در ده روز، بلکه در یک ماه آینده به مقاصد مصرفی خواهد رسید.

صفحه ۳ را بخوانید



جعفر قنادباشی در یادداشتی
سفر رییس جمهور به ترکمنستان را تحلیل می کند

شکست راهبرد انزوای ایران

سفر اخیر رییس جمهور به اجلاس عشق‌آباد، تنها یک حضور دیپلماتیک مرسوم نیست، بلکه به عقیده تحلیلگران، نشان‌دهنده بن‌بست راهبردی سیاست‌های واشنگتن برای به انزوا کشاندن ایران است. در شرایطی که امریکا با تکیه بر ابزار فرسوده تحریم، تلاش داشت چهره‌ای مقتدر از خود در عرصه بین‌الملل ترسیم کند، ایران با تقویت همکاری‌های اقتصادی با همسایگان و کشورهای مشترک‌المنافع، عملا این نمایش قدرت را به چالش کشیده است. این یادداشت، به واکاوی چرایی شکست پروژه انزوای ایران و چرخش موازنه قدرت به نفع دیپلماسی همسایگی می‌پردازد. سفر رییس جمهور به اجلاس عشق‌آباد را باید در بستر تقابل راهبردی میان ایران و امریکا تحلیل کرد. در حالی که واشنگتن با تمام توان و صرف هزینه‌های گزاف سیاسی، در پی حفظ سیاست «انزوای ایران» و اعمال فشارهای تحریمی است، این نشست عملا گواهی بر شکست این رویکرد بود. دستاوردهای این سفر، از جمله هماهنگی‌های صورت گرفته با ترکمنستان در حوزه تبادلات گاز و همچنین تقویت روابط تجاری با روسیه، نه تنها یک پیروزی دیپلماتیک، بلکه ضربه‌ای کاری به نمایشی است که دستگاه دیپلماسی امریکا در تلاش برای القای اقتدار خود علیه ایران به راه انداخته بود. آنچه در عشق‌آباد رخ داد، همگرایی با مجموعه‌ای از کشورهای همسو و مشترک‌المنافع بود که ظرفیت‌های جمعیتی و اقتصادی قابل توجهی دارند. این کشورها که عمدتا از همسایگان ایران هستند، به دلیل ماهیت همکاری‌های جمعی و هوشمندانه، گزینه‌های امریکا برای اعمال فشار را عملا خنثی کرده‌اند. ما در این منطقه با مجموعه‌ای پرتوان طرف هستیم که جمعیتی بیش از ۵۰۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد؛ کشورهایی که پیوندهای تاریخی و جغرافیایی عمیقی با یکدیگر دارند و اکنون دریافته‌اند که «اقدام دسته‌جمعی» هوشمندانه‌ترین راه برای بی‌اثر کردن فشارهای یک‌جانبه امریکاست. این عقبه راهبردی، بیش از هر چیز حاصل مواضع اصولی و منطقی جمهوری اسلامی ایران در برابر ظلم و به‌ویژه در قبال رژیم صهیونیستی است. این مواضع، ایران را در کانون توجه ملت‌ها و دولت‌های مستقل قرار داده و حتی دولت‌هایی را که پیش‌تر در برابر فشارهای یک‌جانبه امریکا ضعف نشان می‌دادند، ترغیب به افزایش تعامل با ایران کرده است. علاوه بر این، کشورهای حاشیه دریای خزر قابلیت‌های بی‌نظیری در حوزه‌های زمینی، هوایی و دریایی دارند که عملا مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای را دشوار می‌سازد. امریکایی‌ها که برای آینده بهره‌برداری از منابع انرژی منطقه روی این کشورها حساب باز کرده بودند، اکنون دریافته‌اند که فشار بر ایران به معنای از دست دادن فرصت‌های اقتصادی و سیاسی در این حوزه است. پیاده‌سازی موفق «سیاست همسایگی» که در روابط با عراق، ترکیه، پاکستان و افغانستان نیز شاهد آن بوده‌ایم، نشان می‌دهد که خواست ملت‌ها در این کشورها، همگرایی با ایران و فاصله گرفتن از سیاست‌های تنش‌زای امریکاست. وقتی مردم عراق خواستار بازگشایی مرزها می‌شوند یا کشورهای همسایه به‌رغم فشارهای واشنگتن خواهان توسعه روابط انرژی با ایران هستند، یعنی سیاست «تحریم‌محور» امریکا به بن‌بست رسیده است. نکته حایز اهمیت این است که امریکایی‌ها حتی در داخل ساختارهای نظامی و امنیتی خود دچار تردید و ناکارآمدی شده‌اند. آنچه در تقابل‌های نظامی اخیر با ایران مشاهده شد، حاکی از نوعی عقب‌نشینی ناگزیر در برابر اقتدار دفاعی ایران است. اگر دستگاه دیپلماسی و نظامی امریکا توانمند بود، نباید شاهد گزارش‌های مکرر از ناکارآمدی ناوها یا تمرد در ساختارهای نظامی آنها در مواجهه با اقتدار ایران می‌بودیم. اینکه واشنگتن با وجود بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ای، در مدیریت ساده‌ترین مناسبات خود دچار ضعف است، نشان می‌دهد که شعار «تحریم جهانی» بیش از آنکه یک واقعیت سیاسی باشد، یک طنز تلخ و فضاحت‌بار برای دستگاه سیاست خارجی امریکاست. حضور رییس جمهور ایران در میان سران کشورهای همسو، نه تنها نگرانی از تحریم‌ها را برطرف کرده، بلکه آغازی برای آینده‌ای روشن‌تر در تبادلات اقتصادی است. ما امروز شاهد یک گشایش راهبردی هستیم؛ گشایشی که ایران را نه تنها از حصار تحریم‌ها عبور می‌دهد، بلکه بستر ساز رونق تبادلات بازرگانی در سطحی است که تا همین چند سال پیش تصور نمی‌شد. در حالی که امریکایی‌ها منتظر انتشار اخبار محدودیت علیه ایران بودند، تهران در حال برداشتن گام‌های جدید برای گسترش تعاملات با جهان است و این، به معنای واقعی کلمه، نمایش افتخارآمیزی برای ملت ایران و قضاوتی تلخ برای واشنگتن است. در واقع، امریکایی‌ها در باتلاق خودساخته‌شان گیر کرده‌اند، چرا که ایران امروز، کشوری است که با تکیه بر دیپلماسی همسایگی، مرزهای اقتصادی خود را باز کرده و اجازه نمی‌دهد هیچ قدرت خارجی، امنیت و پیشرفت ملت‌های منطقه را به گروگان بگیرد.

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را در هفته اخیر بررسی می کند

بورس در قله تاریخی

بازار سهام یک هفته تمام‌عیار را پشت سر گذاشت و توانست پس از مدت‌ها شاخص ۸ میلیونی را لمس کند؛ این شرایط در حالی است که همچنان سایه ریسک‌های روی بازار حس می‌شود و طی روزهای مختلف شاهد ورود و خروج نقدینگی هستیم. به بیان ساده ورود نقدینگی به بازار سهام به‌صورت یکپارچه نیست و در برخی روزها خروج نقدینگی نیز رخ می‌دهد و در همین شرایط شاخص کل بورس توانسته محدوده‌ای جدید را لمس کند.

صفحه ۴ را بخوانید

فروش اصناف در شهریور رشد کرد

شامخ بازار بزرگ‌تر شد یا فقط گران‌تر؟

تازه‌ترین داده‌های شاخص مدیران خرید خرده‌فروشی نشان می‌دهد فعالیت این بخش در شهریور ماه نسبت به مرداد ماه بهبود یافته و شامخ خرده‌فروشی با ثبت رقم ۵۸.۳۳ از مرز ۵۰ عبور کرده است. با این حال، بررسی اجزای این شاخص تصویری متفاوت از یک رونق فراگیر و پایدار ارایه می‌کند. در حالی که فروش و سفارش‌های جدید افزایش یافته، اشتغال کاهش پیدا کرده، هزینه تأمین کالا به بالاترین سطح شاخص رسیده و میزان خوش‌بینی فعالان صنفی نسبت به ماه آینده نیز کمتر شده است. این داده‌ها از گزارش «طرح شاخص مدیران خرید خرده‌فروشی» معاونت آموزش و پژوهش، واحد آمار و اطلاعات اتاق اصناف ایران استخراج شده است؛ طرحی که اتاق اصناف ایران از اردیبهشت ۱۳۹۹ اجرای آن را آغاز کرده و نتایج آن به صورت ماهانه منتشر می‌شود. همزمان، محاسبه شامخ ترکیبی کل اقتصاد با همکاری اتاق‌های بازرگانی، تعاون و اصناف...

صفحه ۷ را بخوانید

یادداشت-۲

آزمون دولت در مهار هزینه‌های معیشت



حمیدحاج‌اسماعیلی

در یک‌سال گذشته، اقتصاد ایران با رشد غیرعادی و پرشتاب تورم مواجه بوده و قیمت اغلب کالاها و خدمات، به‌ویژه کالاهای اساسی، به صورت تصاعدی افزایش یافته است. این جهش قیمت‌ها فشار اقتصادی زیادی به مردم وارد کرده و دولت برای حمایت از معیشت خانوارها دو راه اصلی پیش رو داشته است؛ نخست افزایش سطح درآمد مردم و دوم مدیریت تورم و جلوگیری از تداوم رشد سریع قیمت‌ها. در شرایط فعلی، اصلی‌ترین برنامه دولت برای حمایت از معیشت مردم بر افزایش رقم کالابرگ برای دهک‌های پایین درآمدی متمرکز شده است. با این حال، اجرایی نشدن این افزایش با گذشت بیش از شش ماه از سال نشان می‌دهد که دولت حاضر نیست به هر قیمتی این سیاست حمایتی را اجرا کند و نمی‌خواهد برای تامین منابع آن، کسری بودجه را تشدید کند.

از سوی دیگر، اصرار بانک مرکزی بر مهار تورم از طریق سیاست‌های پولی و کاهش کسری بودجه کمک کرده است تا در شهریور ماه آثار این سیاست‌ها در کاهش رشد نقدینگی و تورم نقطه‌به‌نقطه مشاهده شود. باوجود این، کاهش شتاب تورم به معنای متوقف شدن رشد قیمت‌ها نیست. آهنگ رشد تورم در دو ماه اخیر کند شده، اما قیمت‌ها همچنان در حال افزایشند و سطح عمومی قیمت‌ها همچنان بالاست. بنابراین نمی‌توان صرفا بر اساس کاهش سرعت رشد تورم درباره بهبود وضعیت معیشتی مردم قضاوت کرد. تداوم این روند در ماه‌های آینده به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور بستگی دارد، زیرا جنگ، محاصره اقتصادی، تحریم‌ها و ناطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی همچنان از عوامل اثرگذار بر تشدید تورم هستند. یکی از مسیرهای اثرگذاری این شرایط بر تورم، افزایش هزینه‌های تجاری و واردات است. محاصره دریایی و محدودیت‌های تجاری باعث شده بخش زیادی از کالاها از کریدورهای شمالی، اعم از ریلی و جاده‌ای، وارد کشور شوند. هزینه حمل‌ونقل در این مسیرها در مقایسه با حمل دریایی بسیار بالاتر است و این افزایش هزینه در نهایت بر قیمت تمام شده محصولات اثر می‌گذارد. همچنین کمبود برخی کالاها و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، مشکلات زیادی ایجاد کرده و به افزایش قیمت‌ها دامن زده است. حتی با کاهش شتاب تورم ماهانه و رسیدن آن به ۳.۹ درصد، سطح کلی قیمت‌ها همچنان بالاست و فشار ناشی از افزایش هزینه‌ها ادامه دارد. به همین دلیل، دولت باید در کنار مدیریت شاخص‌های کلان اقتصادی و اجرای سیاست‌های کنترل تورم، به صورت جزیی نیز امکان کنترل قیمت کالاها را بررسی کند. یکی از راه‌های اثرگذار در این زمینه، مدیریت و کاهش هزینه تمام‌شده واردات کالاهای مورد نیاز کشور است. دولت باید برای کاهش فشار ناشی از هزینه‌های حمل‌ونقل و تجارت، تمهیدات لازم را در نظر بگیرد تا امکان کنترل سطح عمومی قیمت‌ها در ماه‌های آینده فراهم شود.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۳

زنگ خطر جدید برای بورس



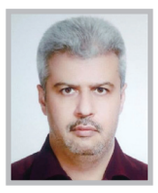
مریم محبی

بازار سرمایه در هفته‌های اخیر با افزایش تقاضا و ورود نقدینگی، بار دیگر توجه سهامداران را به خود جلب کرده است؛ روندی که در گردش پول میان نمادهای مختلف، افزایش تحرک معاملاتی و بهبود رفتار خریداران قابل مشاهده است. بررسی شرایط فعلی بازار نشان می‌دهد بورس با دو نیروی متفاوت روبه‌رو است؛ از یک سو، افزایش نرخ ارز و انتظارات تورمی می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت بر ارزش دارایی شرکت‌ها و چشم‌انداز سودآوری برخی صنایع اثرگذار باشد و از سوی دیگر، نگرانی از تشدید تنش‌های سیاسی، احتمال اختلال در تامین مواد اولیه و محدودیت‌های صادراتی، همچنان به عنوان موانعی جدی در مسیر رشد بازار قرار دارد. تقابل این دو عامل می‌تواند جهت حرکت بورس در روزهای آینده را تعیین کند. آنچه در معاملات اخیر بازار سهام مشاهده می‌شود، استقبال نسبی سرمایه‌گذاران و افزایش تحرک در میان نمادهای بورسی است. گردش پول میان سهم‌های مختلف و حضور خریداران در بخش‌های گوناگون بازار نشان می‌دهد که تقاضا همچنان از بازار خارج‌نشده و بخشی از سرمایه‌گذاران، فرصت‌های موجود را برای ورود یا افزایش وزن سهام در پرتفوی خود مناسب ارزیابی می‌کنند. با این حال، صرف افزایش معاملات و ورود نقدینگی را نمی‌توان به معنای رفع تمام نگرانی‌ها درباره آینده بورس دانست. بازار سهام علاوه بر متغیرهای مالی و بنیادی، به شدت از انتظارات سرمایه‌گذاران و ارزیابی آنها از شرایط سیاسی و اقتصادی تاثیر می‌پذیرد. به همین دلیل، برای پیش‌بینی مسیر آینده بازار باید علاوه بر وضعیت فعلی معاملات، عوامل اثرگذار بر سودآوری شرکت‌ها و سطح ریسک‌های پیش روی اقتصاد را نیز بررسی کرد. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در حمایت از بازار سرمایه نقش داشته باشد، افزایش نرخ ارز و تداوم انتظارات تورمی است. بورس ایران در بسیاری از دوره‌ها نسبت به رشد اسمی قیمت‌ها واکنش نشان داده است، زیرا افزایش نرخ ارز و تورم می‌تواند در بلندمدت ارزش ریالی دارایی‌های شرکت‌ها را تغییر دهد و بر درآمد و سودآوری برخی بنگاه‌های اقتصادی اثر بگذارد. از این منظر، افزایش نرخ ارز می‌تواند برای بخشی از شرکت‌های بورسی، به‌ویژه بنگاه‌هایی که دارایی‌های قابل توجهی در اختیار دارند یا از رشد نرخ‌های فروش منتفع می‌شوند، زمینه‌ساز بهبود ارزش گذاری باشد. همچنین موضوع تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند در شرایط تورمی بار دیگر مورد توجه فعالان بازار قرار گیرد، چرا که افزایش ارزش جایگزینی دارایی‌ها، در صورت فراهم بودن شرایط قانونی و اقتصادی، ممکن است بر ارزیابی سرمایه‌گذاران از ارزش شرکت‌ها اثر بگذارد. با این حال نباید اثر تورم بر تمام شرکت‌ها را یکسان در نظر گرفت. افزایش نرخ ارز و قیمت‌ها لزوما به رشد متناسب سودآوری همه بنگاه‌ها منجر نمی‌شود. شرکت‌هایی که به مواد اولیه وارداتی وابسته‌اند یا با محدودیت در قیمت‌گذاری محصولات خود مواجه هستند، ممکن است از افزایش هزینه‌ها آسیب ببینند.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۴

ترامپ و داستان چوپان دروغگو



عماد حسینی

به اعتقاد شماری از تحلیلگران عرب این نخستین‌بار از ژوئن گذشته است که احتمال وقوع مجدد درگیری نظامی با ایران در بازه زمانی چند روزه یا چند هفته‌ای، بسیار قوی‌تر می‌نماید.

به اعتقاد این تحلیلگران اظهارات ترامپ مبنی بر اینکه پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای ایران را هدف قرار نخواهد داد را باید با احتیاط بسیار زیاد ارزیابی کرد، چون بسیار غیرمعمول است که رییس جمهور امریکا از پیش و با چنین صراحتی اعلام کند که در یک بازه زمانی مشخص از نیروی نظامی استفاده نخواهد کرد و احتمال اینکه این هم یک فریب دیگر باشد، بسیار زیاد است.

همین امر باعث شد تا مقالات و تحلیل‌های مختلفی با این نتیجه‌گیری منتشر شود که این اظهارات آن هم در این مقطع زمانی، بخشی از یک کارزار اطلاعات نادرست و فریب افکار عمومی باشد.

این احتمال زمانی قوت بیشتری به خود می‌گیرد که اخبار و اطلاعات مستمری از تماس‌های مکرر میان ترامپ و نتانیاهو، دیدارهای تیم‌های امنیت ملی در واشنگتن و اسراییل و افشاگری درباره تماس رییس ستاد مشترک ارتش اسراییل با مقامات امریکایی پیرامون همین موضوع به رسانه‌ها نشت پیدا می‌کند.

پس با توجه به شواهد موجود، واقع‌بینانه‌ترین سناریو از نگاه این تحلیلگران نه یک «حمله کاملا مستقل اسراییل»، بلکه اقدامی از سوی اسراییل است که با هماهنگی نزدیک سیاسی و امنیتی با واشنگتن صورت می‌گیرد؛ حتی اگر ایالات متحده رسما در اجرای مستقیم مرحله نخست دخالتی نداشته باشد.

با این حال، این امر امریکا را از پیامدهای ماجرا مبرا نمی‌کند، چرا که اگر ایران بر این باور باشد که حمله اسراییل بخشی از یک جبهه مشترک است و دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند، ممکن است امریکا نیز به این رویارویی کشیده شود.

در همین راستا استقرار سامانه‌های جدید موشکی پاتریوت در منطقه خلیج‌فارس، تلاش برای تشدید عملیات صادرات نفت در روزهای اخیر و دیدار محمد بن زاید با نتانیاهو در امارات - در کنار سایر نشانه‌ها - حاکی از آن است که اسراییل در حال آماده‌سازی خود برای انجام حملات جدید علیه ایران است و این مساله باید مدنظر سیاستگذاران قرار داشته باشد، چون ترامپ ثابت کرده است چیزی فراتر از چوپان دروغگو است.

سامانه پیامکی روزنامه تعادل
به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.